




Irano-Islamic Research in Politics, Vol.1, No4, 131-152.

 [20.1001.1.28212088.1401.1.4.5.1](https://doi.org/10.28212088.1401.1.4.5.1)

Political thought of Fazlollah Naimi Estrabadi¹

AliAkbar Afrasiabpour²

Flour Valipour chahardah cherick³

Abstract

With the brutal and relentless invasion of the Mongols, the people of Iran went to the spiritual leaders and mystics such as Khalifa Mazandarani and Seyyed Qawamuddin Marashi, and by suppressing them, they came to Seyyed Fazlullah Abadi (796-740 AH), who was a mystic, poet and Shiite revolutionary in It was his era and he also established a movement that continued for centuries and was called Alphabet. His political thoughts were expressed in the form of famous poems and coded numbers that were not understandable for the organization, and at the same time, he created an intellectual umbrella that attracted the aspirants. In the basics of his political thinking, he is based on anthropocentrism on behalf of the professions, artists and thinkers of that era, who came to the political field to confront the destructions of Timur and caused a serious crisis to the government. It presents a new school of thought, which creates an incident in the political arena of Anatolia, the Balkans, and the Levant after itself, and finds supporters in the form of a political school for centuries.

Keywords: Huroufeieh, Shiaa mysticism, popular movements, humanism, Fazlollah Estrabadi.

¹ . Received, 2023/01/21; Accepted, 2023/02/25; Printed, 2023/03/06

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Rajaee Tarbiat University, Tehran, Iran. ali412003@yahoo.com (Corresponding Author)

³ . Visiting Assistant Professor, Farhangian University, Ahvaz, Iran. felorvali14@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱، ۱۳۱-۱۵۲.

اندیشه سیاسی فضل‌الله نعیمی استرآبادی^۱

علی‌اکبر افراسیاب‌پور^۲
فلور ولی‌پور چهارده‌چریک^۳
چکیده

با هجوم وحشیانه و بی‌امان مغولان، مردم ایران سراغ رهبران معنوی و عارفی همچون شیخ خلیفه مازندرانی و سید قوام‌الدین مرعشی رفتند و با سرکوب آنها به گرد سید فضل‌الله استرآبادی (۷۴۰-۷۹۶ ق) جمع آمدند که عارف و شاعر و انقلابی شیعی در عصر خود بود و او نیز نهضتی را برپا کرد که قرن‌ها ادامه یافت و «حروفیه» خوانده شد. اندیشه‌های سیاسی او در قالب اشعار، حروف و اعدادی رمزی بیان می‌شد که برای مهاجمان قابل درک نبود و در عین حال چتری فکری ایجاد می‌کرد که مشتاقان را به خود جذب می‌کرد. در مبنای تفکر سیاسی وی بر اساس انسان‌مداری به نمایندگی از اقدار پیشه‌ور، هنرمند و اندیشه‌ورز آن عصر است که در میدان سیاسی به مقابله با ویرانگری‌های تیمور به میدان می‌آید و حاکمیت را دچار بحران جدی می‌کند. او مکتب فکری جدیدی را ارائه می‌دهد که پس از خودش هم در عرصه سیاسی تا آنتانولی و بالکان و شام حادثه‌آفرینی می‌کند و قرن‌ها در قالب یک مکتب سیاسی طرفدارانی پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی: حروفیه، عرفان شیعه، نهضت‌های مردمی، انسان‌گرایی، فضل‌الله استرآبادی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱؛ تاریخ پذیرش، ۱۴۰۱/۱۲/۶؛ تاریخ چاپ، ۱۴۰۱/۱۲/۱۵
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ali412003@yahoo.com
۳. استادیار مدعو، دانشگاه فرهنگیان، اهواز، ایران felorvali14@gmail.com

مقدمه

پیش از هجوم مغولان به ایران، سه حکومت تُرک متعصب سنی‌مذهب، یعنی سلجوقیان، غزنویان و خوارزمشاهیان برای خوش‌خدمتی به دستگاه خلافت عباسی، بر شیعیان سخت‌گیری‌های فراوانی کردند و به ناچار شیعیان از اقلیت‌های زیرزمینی برای آن حکومت‌ها به شمار می‌آمدند. با حمله مغولان دیوار تعصب‌های مذهبی شکسته شد و آزادی دینی، زمینه رشد و گشایش برای شیعیان را فراهم آورد. از طرفی شیعه در ذات خود عنصر مبارزه با ظلم را در آموزه‌های امام علی (ع) و امام حسین (ع) و دیگر پیشوایان شیعه را همراه داشت. مردم ایران در هجوم بیگانگان به دنبال اندیشه‌های مبارزه‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه به راه افتادند و بهترین آنها جنبه سیاسی شیعه بود که حتی در بین عارفان و صوفیان خود نیز همان اندیشه ظلم‌ستیزی را پروراندند و مردمی که از ظلم مغولان و کشتارهای آنها به جان آمده بودند، سراغ صاحبان چنین اندیشه‌هایی رفتند و به این ترتیب راه برای قیام‌های سیاسی شیعیان هموار شد و در کنار آن شیعیان از اقلیت خارج شده و در بسیاری از شهرها حتی به اکثریت رسیدند.

این خواست عمومی مردم و هجوم آنها به اطراف بزرگان شیعه باعث شد که شیخ خلیفه مازندرانی از خانقاه خود به مقابله با بیداد مغولان در باشتین و سبزوار به پا خیزد و به شهادت برسد و نهضت سربداران را ایجاد کند. در همین قرن هشتم قمری سید قوام‌الدین مرعشی در مازندران نهضتی شیعی و انقلابی را آغاز کرد که هر دو نهضت به دست تیمور گورکانی (۷۷۱-۸۰۷ ق) سرکوب شد. اما مردم از پاننشستند و در اطراف عارف شیعی دیگری جمع شدند. جلال‌الدین فضل‌الله پسر ابومحمد عبدالرحمن استرآبادی حسینی که در شعر به نعیمی تخلص داشت و در نهایت او نیز نهضتی را برپا کرد که به وسیله میرانشاه، پسر تیمور گورکانی سرکوب شد و همین حاکم ستمگر، فضل‌الله استرآبادی را به شهادت رساند. این نهضت را حروفیه گفتند و رهبر آن را نیز فضل‌الله حروفی خواندند.

نهضت‌ها و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی همواره نیازمند به اندیشه‌های سیاسی هستند که در زیر چتر آرمان‌های آن مردم را گرد آورد و شعارها و پیام‌هایی می‌خواهند که جدید و جذاب و همه‌گیر باشد و در عین حال در اختیار دشمنان نباشد. در حروفیه همه این موارد دیده می‌شود؛ سید فضل‌الله رهبری عرفانی و معنوی و قابل اعتماد شیعی بود که مشهور به «حلال‌خور» بود و شعار اصلی او یعنی عدالت‌خواهی و رفع ظلم، دقیقاً خواست مردم در همان عصر بود.

از طرفی با اشغالگران، متجاوزان و ظالمان مخالف بود و در شعارهای خود به جهت قدرت شاعری از یک شیوه‌ای به نام اسرار حروف استفاده می‌کرد که بسیار جالب و جذاب هم بود و مردم کنجکاو را به دنبال رمز آنها می‌کشاند. حروف الفبای فارسی و عربی، حروف مقطعه قرآنی و حتی اعداد و اشکال که همگی مجموعه‌ای ارزنده را تشکیل می‌داد و نوشته‌های سید فضل‌الله را خواندنی می‌کرد و دشمنان از دسترسی به محتوای آن عاجز بودند. مجموعه این عوامل پاسخ مناسبی به درخواست‌های مردم ایران بود که مورد هجوم مداوم قرار داشتند و به دنبال راه نجاتی در آن شرایط ناگوار بودند.

پیشینه تحقیق

درباره اندیشه سیاسی فضل‌الله استرآبادی هیچ مقاله یا کتابی نوشته نشده است، اما درباره زندگی و آثار او همچنین در مورد طریقت حروفیه تحقیقات خوبی در دست است. نخستین اثر ارزنده را فاتح اوسلوار با نام «حروفیه» نوشته که توسط داوود وفایی ترجمه و در تهران به سال ۱۳۹۱ در انتشارات مولی منتشر شده است. همچنین یعقوب آژند کتاب «حروفیه در تاریخ» را در سال ۱۳۶۹ نوشته که نشر نی آن را چاپ کرد. کتاب نوشته‌های حروفیان از ادوارد براون با ترجمه عطاءالله حسنی در سال ۱۳۸۵ در انتشارات سخن منتشر شد. کتاب آغاز فرقه حروفیه از هلموت ریتز با ترجمه حشمت مؤید در سال ۱۳۸۵ در انتشارات سخن چاپ شد. عبدالباقی گولپینارلی کتاب فهرست متون حروفیه را گرد آورد که در سال ۱۳۷۶ در انتشارات بدر تهران منتشر شد. مقالات متعددی نیز درباره حروفیه نوشته

شده است؛ مانند «ظهور فرقه حروفیه و تأثیرات فکری و سیاسی آن در اصفهان» از سید احمد عقیلی در مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام در شماره ۱۰ در بهار و تابستان ۱۳۹۱ که در همه این موارد به فضل‌الله استرآبادی هم اشاره می‌شود، اما به‌طور جداگانه به اندیشه‌های سیاسی او نپرداخته‌اند.

اما درباره زندگی و آثار فضل‌الله استرآبادی نیز تلاش‌های ارزنده‌ای کرده‌اند. نسخه خطی آثار او در کتابخانه دانشگاه استانبول، کتابخانه دانشگاه کمبریج و کتابخانه واتیکان و کتابخانه ملی و ملک موجود است که برخی از آنها منتشر شده است. بیشتر به دیوان اشعار او علاقه نشان داده‌اند و بارها آن را منتشر کرده‌اند. دیوان فارسی فضل‌الله نعیمی تبریزی و عمادالدین نسیمی شیروانی به اهتمام رستم علی‌اف در سال ۱۳۵۳ در تهران، نشر دنیا منتشر شد و بارها تصحیح و چاپ شد. پایان‌نامه دکتر محمد درزی «احوال، آثار و مکتب عرفانی فضل‌الله نعیمی استرآبادی با تصحیح اشعار شاعر» بود که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه سمنان دفاع شد و بعدها «کلیات اشعار فضل‌الله نعیمی استرآبادی توسط ایشان در سال ۱۳۹۸ منتشر شد. کتاب‌ها و مقالات دیگر اغلب به همین دو حوزه حروفیه و زندگی فضل‌الله مربوط می‌شود و حتی در تاریخ‌های ادبیات و دانشنامه‌ها نیز به معرفی اجمالی او و حروفیه اکتفا شده است. هنوز به تحلیل اندیشه‌های او و دیگر بزرگان حروفیه کمتر پرداخته شده است.

اوضاع سیاسی عصر

تیمور گورکانی که خود را چنگیزی دیگر می‌دانست، در سال ۷۸۲ ق یورش‌های وحشیانه‌ای را به ایران آغاز کرد و تا گرجستان و ارمنستان پیش رفت. خود را «خاقان اعظم» خواند و سمرقند را پایتخت کرد. در سال ۷۸۹ ق به اصفهان حمله کرد. نوشته‌اند: «زندگان را به دست مرگ بسپارند و مال‌ها به یغما ربایند، آبادی‌ها ویران کنند، کشت‌ها بسوزند، پستان زنان ببرند و دور و نزدیک و آشنا و بیگانه و مسلمان و اهل ذمت را یکسان انکارند و بالجمله از شهرنشینان تنی زنده مگذارند».

همچنین نوشته‌اند:

چنان آتش فتنه گردید تیز/ که گفتی در آن شهر شد رستخیز
ز تاراج و کشتن بپرداختند/ مناره ز سرها برافروختند

به دفتر درآمد در آن کارزار/ ســـــرکشته هفتاد باره هزار
(روملو، ۱۳۴۹، ۳۸۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۹۹)

گفته‌اند: «تیمور هفتاد هزار نفر از مردم اصفهان را بی‌گناه قتل عام کرد»
(براون، ۱۳۸۵، ۴۹؛ ۱۳۵۷، ۳/۳۸۰).

«در سال ۷۸۵ ق در قتل عام مردم سیستان فرمان داد تا دو هزار تن اسیر
را در دیواری زنده ببنودند. در سال ۸۰۱ ق صد هزار تن اسیر هندی را در
نزدیکی دهلی سر برید و در سال ۸۰۳ ق چهار هزار نفر ارمنی را زنده به گور
کرد. در همین سال در نزدیک حلب و دمشق بیست کله منار بر پا داشت»
(کتبی، ۱۳۶۴، ۲۱۸؛ سمرقندی، ۱۳۵۳، ۴۱۰).

حوادث بیش از یک قرن که تیموریان بر سر مردم آوردند، حیرت‌آور
است. در چنین شرایطی فضل‌الله استرآبادی برمی‌خیزد و نهضتی مردمی را به
پا می‌کند و بر اساس فلسفه‌ای عمیق و حکمتی عرفانی و در قالب مکتب
حروفی با ابتکار فکری به فضای سیاسی وارد می‌شود و رمز ماندگاری و حروفیه
همان مبنای فکری استواری است که فضل‌الله ساخته بود
(Keddie, 1972, 137, Norris, 1999, 86). بازار ریاکاری رایج بود و
تعصب‌های مذهبی با مقدس‌مآبان در خدمت به تیموریان اوج گرفته بود و
در نهایت تاریکی، نور فضل‌الله بخش عمده‌ای از خاورمیانه را فراگرفت.

آنچه بر حوادث سیاسی آن عصر حکایت دارد، قیام‌های پی‌درپی حروفیه
در خراسان، مازندران، هرات، اصفهان و حلب و دیگر نقاط است که چهره
سیاسی منطقه را تحت تأثیر قرار داد و به نوعی کانون‌های بحران ایجاد و
حکومت تیموریان و حاکمان محلی را دچار وحشت شدید کرد و این مطلب

با سیاسی‌ترین فعالیت حروفیه به اوج خود رسید. آن هم این ماجرا بود که شاهرخ پسر تیمور در روز جمعه ۲۳ ربیع‌الآخر ۱۴۲۷/۸۳۰ م هنگام ورود به مسجد هرات از سوی احمد لر، یکی از مریدان فضل‌الله با چاقو مورد سوء قصد قرار گرفت. احمد لر را در همان‌جا کشتند، اما میرزا بایسنقر پسر شاهرخ با کلیدی که از جیب احمد لر به دست آورد، تحقیقاتی را آغاز کرد که به حوادث فراوانی انجامید و دانشمندان، هنرمندان، روشنفکران و پیشه‌وران بسیاری را گرفتار کرد. قاسم انوار، صائن‌الدین ابن ترکه و گروهی دیگر تحت تعقیب قرار گرفتند (خواندمیر، ۱۳۵۳، ۱۷/۳؛ Ilic, 2006, 18). ماجرای ترور شاهرخ بحران سیاسی برای حاکمیت‌ها ایجاد کرد و برای آنها باورپذیر نبود که مردم در مقابل کشتار آنها مقاومت نشان بدهند و اگر در این مورد سکوت می‌کردند حاکمیت سیاسی آنها با بحران مواجه می‌شد.

یکی از فصل‌های پوشیده حوادث سیاسی حروفیه، ماجرای ارتباط آنها با حاکمان محلی است که برخی که سنی و متعصب بودند و به شیوه تیموریان حکومت می‌کردند، به مخالفت می‌پرداختند و با حاکمانی که تمایلات شیعی یا مردم‌گرایانه داشتند، ارتباط نزدیک‌تری پیدا می‌کردند. ماجرای حکومت قراقویونلوها نمونه آن است که باید با در نظر گرفتن قدرت حروفیه مطالعه مجدد شود. چطور دولت قراقویونلوها از یک حکومت محلی تبدیل به امپراتوری می‌شود؟ به نظر می‌رسد عامل حروفیه تحلیل نشده است. اگر با در نظر گرفتن حروفیه تاریخ سیاسی آذربایجان نوشته شود، نتایج دقیق‌تری به دست خواهد آمد.

باید در تاریخ سیاسی منطقه این تحلیل را در نظر گرفت که جهان‌شاه به‌عنوان حکمران قراقویونلو با شاهرخ پسر تیمور مخالفت و دشمنی داشت و همین عامل او را به حروفیه نزدیک می‌کرد، یعنی دشمن مشترک باعث می‌شد، از لحاظ سیاسی به هم نزدیک شوند. بین جهان‌شاه و شاهرخ جنگ ۲۹ ساله (از ۸۱۰ تا ۸۳۹ ق/ ۱۴۰۷ تا ۱۴۳۶ م) در جریان بوده است و به نظر می‌رسد که موقعیت مناسبی برای حروفیه بوده است که با شاهرخ به جنگ پردازند. به نظر نگارندگان این مقاله، عاملی که باعث ایجاد یک امپراتوری کوچک برای قراقویونلو می‌شود، همین یاری و پشتیبانی حروفیه

بوده است و دلایل و اسناد موجود هم همین را تأیید می‌کند. جهان‌شاه حتی گرجستان را گرفت.

اسنادی از ارتباط دختر فضل‌الله یعنی وصی و جانشین فضل‌الله که «کلمه‌الله هی العلیا» خوانده می‌شد با جهان‌شاه در دست است که در تبریز این ارتباط سیاسی وجود داشته است و شخصی از طرف همین دختر به تبلیغ حروفیه در تبریز می‌پرداخته است که «یوسف» نام داشته و هنگامی که این امر علنی می‌شود، اهل شریعت و علمای تبریز فتوای تکفیر علیه حروفیه می‌دهند و بلوایی درست می‌کنند که جهان‌شاه مجبور می‌شود که با حروفیه به مقابله پردازد و گرنه حکومتش از طرف جناح مذهبی در خطر قرار می‌گرفت (رک: کیا، ۱۳۴۰؛ تربیت، ۱۳۱۴؛ Giovanni, 1999).

یکی دیگر از این مدارک مربوط به جلال‌الدین دوانی، فیلسوف بزرگ آن عصر است که استاد جهان‌شاه قراقویونلو بوده است و هنگامی که در تبریز اقامت داشت، در مدرسه جهان‌شاه نیز به تدریس اشتغال داشت. دوانی کتابی به نام «رساله حروف» دارد که برای جهان‌شاه به فارسی نوشته است و آن کتاب الان موجود است (تاریخ بزرگ اسلام، ۱۹۹۲، ۴۸۱/۸). با گردآوری این شواهد می‌توان به ریشه‌یابی حوادث آن عصر و به‌ویژه جایگاه و نقش حروفیه دست یافت و نشان داد از هنگامی که جهان‌شاه برای حمایت از علمای مذهبی با حروفیه قطع ارتباط می‌کند، حکومت او رو به افول می‌گذارد و امپراتوری او از بین می‌رود. حروفیه در تاریخ خراسان بزرگ، آذربایجان، کردستان و لرستان تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته‌اند که هنوز تحلیل نشده است، اما اندیشمندان ترک به مطالعه تأثیر حروفیه در آناتولی و شام و بالکان تا حدودی موفق عمل کرده‌اند. گولپینارلی رابطه حروفیه با خانقاه حاجی بکتاش ولی را در آناتولی نشان داده است که بکتاشیه از طریقت‌های عرفانی شیعی در آناتولی بوده‌اند و مرکز آنها آلبانی است. خلیفه فضل‌الله یعنی «علی الاعلی» به آناتولی می‌رود و در خانقاه حاجی بکتاش ولی اقامت می‌کند و اندیشه‌های حروفی را ترویج می‌دهد و با استقبال مواجه می‌شود.

فضل‌الله نعیمی استرآبادی

فضل‌الله (۷۴۰-۷۹۶ ق/ ۱۳۹۴-۱۳۴۰ م) را عارف شیعی، شاعر حکیم و فیلسوف و عالم علوم دینی گفته‌اند. خود را از نوادگان جعفر بن موسی بن جعفر (ع) دانسته و از جوانی به سیروسلوک و ریاضت و شب‌زنده‌داری اشتیاق داشت و کشف و شهودهایی معنوی در رؤیاهای پیدا کرد. از راه کلاهدوزی زندگی می‌گذراند و به مریدانش نیز آموخت که از دسترنج خود امرار معاش کنند و چنان به حقوق مردم و اموال عمومی احترام می‌گذاشت که مشهور به «حلال‌خور» شد (گولپیناری، ۱۳۷۴، جلال پندری، ۱۸، ۱۳۷۲؛ ریتر، ۵۲، ۱۳۶۱). آثار اصلی او چون دیوان اشعار، جاویدان‌نامه، نوم‌نامه، محبت‌نامه، عرش‌نامه، توحیدنامه و چند اثر دیگر از بنای یک مکتب جدید فکری خیر می‌داد که توسط شاگردانش و به وصیت او در مناطق دیگری همچون آناتولی، بالکان، شام و کردستان طرفداران بسیاری یافت و قرن‌های متمادی حادثه آفرید.

نخستین جانشین او دخترش «کلمه‌الله هی العلیا» است و نشان‌دهنده مقام زن در این طریقت است. نهضت انقلابی و مردمی حروفیه را به دو دوره تقسیم می‌کنند؛ یکی دوره راه‌اندازی این جریان با زندگی فضل‌الله مقارن است و دوره دوم که پس از مرگ او و حوادثی است که جانشینان او ایجاد می‌کنند که بیش از همه در بالکان و آناتولی گسترش یافت. آنچه به خود فضل‌الله مربوط می‌شود، طیف وسیعی از نظریه‌های مختلف است که درباره او به وجود آمده است؛ گروهی او را عارفی شیعی و انقلابی گفته‌اند، برخی او را فیلسوفی نوآور و دسته‌ای او را عدالت‌خواهی مردمی و طرفدار طبقه محروم جامعه نوشته‌اند و هرکدام برای اثبات نظر خود به مواردی از نوشته‌ها یا رفتارهای او استناد کرده‌اند که جمع آن عقاید هم امکان‌پذیر است و منافاتی با هم ندارند (میرفطروس، ۲۰، ۱۶۰؛ زرین کوب، ۲۵۱، ۱۳۷۰؛ پتروشفسکی، ۹۲، ۱۳۵۹). البته مخالفانش او را مدعی مهدویت و پیامبری و حتی خدایی خوانده‌اند و تهمت‌هایی همچون الحاد و اشتراک زنان هم به او وارد کرده‌اند که نشان‌دهنده شدت وحشت حاکمان از اوست (اوسلوار، ۵، ۱۳۹۱). البته

این اتهام‌های تکراری را به هر فردی که در مقابل ظالمان و مدعیان شریعت که دست‌نشانده آن ستمگران بوده‌اند، وارد کرده‌اند.

این حجر عسقلانی از اهل ظاهری که معاصر فضل‌الله و از وابستگان به دستگاه ظلم تیموری است، می‌گوید: «از فضل‌الله بن ابی‌محمد تبریزی از زاهدان اهل بدعت، تیمور را به اتحاد (انسان با خدا) دعوت کرد و به همین دلیل تیمور فرمان داد او را بکشند. میرانشاه پسر تیمور وقتی از خواسته پدر آگاه شد، با دستان خود فضل‌الله را به قتل رساند. به دستور تیمور جسد او را در ربیع‌الآخر ۸۰۴ سوزاندند» (ریتر، ۱۵۴، ۱۳۶۱؛ ۱۵۴؛ آژند، ۱۳۶۹، ۸۶). این شخصیت چنان وحشتی برای حکومت تیموری ایجاد کرده بود که سخت‌ترین مجازات عصر را برای او در نظر گرفتند.

فضل‌الله چنان جاذبه شخصیتی داشت که در سفر به اصفهان که در سال ۷۵۹ و ۷۷۲ ق انجام داد و در محله طوقچی ساکن شد، پیروان فراوانی را جذب کرد؛ مانند نصرالله نافجی که کتاب خوابنامه را نوشته است (ریتر، ۱۳۶۱، ۳۳۷) و در کتاب نوم‌نامه فضل‌الله هم یکی از جاذبه‌های او را می‌توان ملاحظه کرد. او کشف و شهودهای عرفانی داشت و رؤیاهای صادقانه و دریافت‌های معنوی در رؤیا را تجربه می‌کرد و به قدرت تعبیر خواب دست یافته بود و از آن در جهت بیان عقاید خود استفاده می‌کرد. همچنین احاطه او بر علم تأویل چنان برجسته است که در آثار او نمایان شده و در جذب پیروان مؤثر بود و اغلب این نیرو را تحت تأثیر احاطه او بر عرفان نظری و عقاید اسماعیلیه دانسته‌اند.

وسعت تأثیر فضل‌الله مدیون مکتب ریشه‌دار اوست که از عرفان و فلسفه و حکمت اسماعیلی و شعر مشحون بود و دیگر اینکه او به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی آثاری دارد که در سه حوزه برای او طرفداران فراوان را گرد آورد. همچنین احاطه او بر عرفان و ادیان به‌ویژه دین مسیحیت و یهود، اندیشه‌های او را عمیق‌تر می‌کند. در نظریه‌های عرفانی، چون وحدت وجود مبتکر بود و در ادبیات استعداد شگرفی داشت که گفته‌اند اشعار فراوانی از مولوی را حفظ داشت. ویژگی دیگر او سفرهای فراوان و آگاهی از اوضاع

سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عصر خود است. پس از علم تعبیر خواب باید به علم تأویل او نیز اشاره کرد که چنان چشمگیر بود که پیروانش او را صاحب «تأویل» می‌گفتند (گوپینارلی، ۱۳۷۴، ۵).

بخش عمده جاذبه شخصیتی فضل‌الله مربوط به سیر و سلوک معنوی و دوره‌های ریاضت طولانی او بوده است که در این خودسازی‌ها به پاکسازی درون پرداخته، چشم دل گشوده داشته و از چنان خلوص و معنویتی برخوردار شده که در هر کجا گام می‌نهاد، بسیاری را شیفته خود می‌کرده است. اخباری از ریاضت‌های او و اقامت در غاری نزدیک به اصفهان در دست است. شیخ حسن جوری، رهبر نهضت سرداران نیز در غار ابراهیم نزدیک نیشابور ریاضت‌ها کشید و این عارفان شیعه با الهام از غار حرا به سوی دریافت‌های معنوی پیش رفته‌اند. با چنین مواردی برخی از پیروان درباره او اغراق‌هایی نیز کرده‌اند که غایب می‌شده یا از غیب مأموریت برای تبلیغ یافته و همین موارد به حکومت تیموری این بهانه را داد که همه جا او را مدعی مهدویت و پیامبری بداند و با حکم ارتداد و تکفیر مواجه کند.

برخی گفته‌اند که در ۴۰ سالگی به مقام مکشفه دست یافته است و ابتدا به اسرار حروف مقطعه قرآن کریم پرداخته و همین ابتدای تعلیم در باب حروف می‌شود (اوسلوار، ۱۳۹۱، ۱۲)، اما به سوی هستی‌شناسی خاصی به پیش می‌رود و جهان را مانند فلاسفه، جاودان و همیشگی می‌داند که پیوسته در حال تجدید است و در این دیدگاه برای تاریخ به سه مرحله نبوت، امامت و الهیت می‌رسد. در حوزه سیاسی نیز از پیروان خود می‌خواهد که به اطراف و اکناف پراکنده شوند و به‌طور پنهانی افکار و اندیشه‌های حروفی را آموزش بدهند. یکی از مهم‌ترین پیروان او نسیمی بود که در حلب به ترویج افکار فضل‌الله مشغول بود و طرفداران بسیاری یافت و با فتوای علمای حلب با شکنجه فراوان به شهادت رسید.

انسان‌مداری

اصالت انسان از آموزه‌های عرفان است که می‌خواهد انسان را به خدا برساند و فضل‌الله یکی از مهم‌ترین مبانی فکری خود را به انسان‌شناسی اختصاص می‌دهد که از نظر فلسفی، انسان را موجودی مختار ارزیابی می‌کند که اگر به خودشناسی برسد و موانع پیشرفت بر سر راه خود را از میان بردارد، می‌تواند کارهای شگفت‌انگیزی انجام بدهد و همچون حضرت سلیمان صاحب مقام سلطانی بر عالم برسد و در نهایت از لحاظ سیاسی بر مستکبران غلبه کند:

اگر مردان راهت را حجاب از پیش برخیزد/ هزارانی اناالله‌گو ز هر سو
بیش برخیزد

سلیمان‌وار سلطانی کند در عالم وحدت/ گدایی کز سر مستی چو این
درویش برخیزد (نعیمی، ۱۳۵۳، ۸۹).

درباره انسان‌محوری فضل‌الله و حروفیه گفته‌اند: «اهمیتی که فلسفه حروفی به انسان می‌دهد و اساساً انسان را در مرکز تأملات خود قرار می‌دهد، امر مبرهنی است. اساس اهمیت به انسان از سوی حروفیان را می‌توان در ظلم و ستمی که در دوره حکومت تیمور بر مردم روا می‌داشته‌اند، جست‌وجو کرد. انسان در آن زمان موجود بی‌ارزشی قلمداد می‌شد. البته ارزش والای انسان در اعتقاد حروفیان بیش از ظلم و جور تیمور، با آموزه‌های دینی مرتبط است» (اوسلوار، ۱۳۹۱، ۶). این اصالت انسان برتر از اندیشه‌های آن عصر به نظر می‌رسد.

رستم علی‌اف عقیده دارد: «این مردان، بی‌پروا بانگ «انال‌حق» بر انسان مست غفلت‌زده و خواب‌آلوده می‌زنند، حرص و آز، جبن و ترس، اسراف و خست، دروغ و نادروستی، ریا و سالوس، تسلیم در برابر ستمگران، مقام‌های زودگذر ظاهری و تنبلی و مفت‌خوری را دون شأن آدمی دانسته، بی‌نیازی، قناعت، شجاعت، جوانمردی، راستی، بی‌ریایی، برادری، پیکار با ستمگران،

جانبازی در راه آرمان را پیشه خود ساخته، از خرد و کلان و مرشد و مرید، همه و همه با کار و کوشش خلاق از دسترنج خود نان می‌خورند و با اعراض از پرستش بت‌های موجود و موهوم به ستایش انسان و جمال و کمال انسانی می‌پردازند.

حروفیه در زمان خود مکتب انسان‌دوستی و مکتب مردمان زحمتکش شهری چون پیشه‌وران، هنرمندان و روشنفکران بوده است. آنهایی که حتی در حد کمال و فضل، فضل‌فروشی نمی‌کردند، بلکه با کار و پیشه و زحمت زندگی خود را اداره می‌نمودند. یکی از علل قیام حروفیان علیه استیلای تیمور نیز این بود که این اشغالگر خونخوار ثمره دسترنج این مردم زحمتکش و هنرمند را در هر شهر و دیار به آتش و ویرانی می‌کشید و استادان حرفه‌های مختلف را اجباراً جلای وطن کرده به سمرقند می‌فرستاد تا برای خود پایتخت فرعون‌ی بسازد» (مقدمه دیوان، ۱۳۵۳، ۱۷). این اندیشه انسان‌مداری بر اساس اندیشمندانه‌ای بنا شده بود:

تو خاک و سنگ را می‌نامی اکنون قیمتی گوهر! / مگر انسان بدین حسن و صفا گوهر نمی‌باشد؟ (مقدمه دیوان، ۱۳۵۳، ۲۱)

انسان‌مداری فضل‌الله با بهره‌گیری از استعدادها و توانایی‌های او تقویت می‌شد. بخشی از مکاشفه‌های عرفانی او که در خواب انجام شده است، به موضوع اصالت انسان اختصاص دارد و در کتاب نوم‌نامه ملاحظه می‌شود، در دیگر مدارک نیز ثبت است. می‌گوید: «در خواب دیدم بحث می‌رفت که همه اشیا مظهر آدم است یا آدم مظهر همه اشیا است؛ یعنی می‌گفتم که همه چیز را در آدم بنمود یا آدم را در همه چیز» (کیا، ۱۳۴۰، ۲۳۹). این انسان‌مداری در حوزه سیاسی هم گسترش می‌یابد و از نظر حروفیه کسی که به مقام «قطب» دست پیدا کند، در عین حال که جایگاه عرفانی و معنوی و دینی برجسته‌ای دارد، در مقام سیاسی نیز رهبر به شمار می‌آید و به همین دلیل حروفیه با فرمان قطب خود بارها در مناطق مختلف در مقابل هجوم تیموریان قیام کردند و بروز اجتماعی این اندیشه در نهضت‌های سیاسی قابل پیگیری است.

ادبیات رمزی و ادبیات سیاسی

بهره‌برداری از حروف و اعداد و اشکال به‌عنوان یک علم یا به‌عنوان دانشی رمزی سابقه‌ای کهن در تمدن بشری داشت و در تمدن‌های مصر، بین‌النهرین، هند و یونان قابل ملاحظه بود. در اسلام از امام جعفر صادق (ع) و چند شاگرد ایشان علم حروف و جفر و مانند آن آغاز می‌شود، اما استفاده سیاسی و مکتبی و فلسفی از این علم حروف در نزد فضل‌الله چهره‌ای دیگر دارد و نوعی تأویل و تفسیر و هرمنوتیک جدیدی را در خود نشان می‌دهد. او با حروف به تفسیر جهان و سرنوشت انسان و ماجرای قدرت می‌پردازد که به سیاست می‌رسد. در عرفان نیز از حروف استفاده‌های مشابهی صورت گرفته بود. ابومنصور اجلی (متوفی ۱۲۱ ق)، سهل تستری (متوفی ۲۸۳ ق)، منصور حلاج (متوفی ۳۰۹ ق)، تا ابن عربی (متوفی ۵۶۰ ق) که ماجرای آنها مفصل است. با این پیشینه فضل‌الله از حروف و اعداد پس از تفسیر قرآن و جهان در زندگی انسان سراغ سیاست می‌رود.

درباره این ادبیات حروفی و رمزی گفته‌اند: «آنچه در فلسفه حروفیان پس از حروف اهمیت می‌یابد، انسان است. انسان که در احسن تقویم خلق شده و خلیفه الهی بر روی زمین است، با تمام ویژگی‌های خود، در فلسفه حروفی از جایگاه والایی برخوردار است. نه ملائک و نه هیچ‌کدام از مخلوقات دیگر خداوند، نمی‌توانند بر کلام‌الله که مبتنی بر حروف ۳۲ گانه است محیط شوند و آن را تلفظ کنند. وانگهی علائم این حروف به واسطه خطوط، صرفاً در چهره و پیکر انسان قابل رؤیت است» (اوسلوار، ۱۳۹۱، ۹۸، ۸۶، Bowering, 1979). در اسرار حروف قرآنی هم بر امت وسط (سوره بقره، ۱۴۳) و اصحاب یمین و شمال تکیه می‌کند تا به قدرت و سیاست و فرقه ناجیه برسد:

چون که هفتادودو فرقه واحد دیدم/ زان شدم فرقه ناجی و نجاتم دادند

چون که هفتادودو با لام و الف هم‌ره بود/ لام الف وحدت ایشان به
براتم دادند (نعیمی، ۱۳۵۳، ۱۸۶)

از این دیدگاه وحدت‌گرایانه به نوعی وحدت جهانی و چیزی شبیه جهانی‌شدن در عصر حاضر می‌رسد: «حقیقت ملت واحد، دین واحد و زبان واحد در «زمان حروف» تحقق خواهد یافت. زمان حروف زمانی است که این راز دانسته شود: اصل همه عصرها و سال‌ها و ماه‌ها مبتنی بر ۷ روز و ۷ شب است. هر شبانه‌روز ۲۴ ساعت است که اگر در ۷ ضرب شود، حاصل آن با 28×6 مساوی خواهد بود. همه موجودات در همین ۷ روز آفریده شده‌اند و هر موجود دارای ۶ جهت است. اگر حاصل 24×7 را که تعداد ساعات هفته است بر ۶ تقسیم کنیم جهات شش‌گانه یعنی راست، چپ، جلو، عقب، بالا و پایین را در برابر ۲۸ کلمه محمدی مشاهده خواهیم کرد» (شرح جاویدان‌نامه، اوسلوار، ۱۳۹۱، ۳۱۸). در این وحدت جهانی به موعود با نگاهی سیاسی می‌نگرد که جامعه بشری را نجات خواهد داد، اما نه در آخرالزمان، بلکه در نگاهی در هر زمانی این نجات امکان‌پذیر است. فضل‌الله می‌گوید:

سی‌ودو نور خدا یک نور بود/آن که در هر مظه‌ری خود را نمود (شرح جاویدان‌نامه، اوسلوار، ۱۳۹۱، ۳۳۳)

حروفیه به رمزهایی از اشکال حروف نیز توجه کردند. حروف را از لحاظ شکل سه دسته کردند: مستقیم، منحنی و مدور. این سه شکل به سه حالت انسان در نماز شباهت دارد. «ایستادن او در حالت قیام شبیه الف (۱) است، در حالت رکوع شبیه دال (د) می‌شود و در سجده مانند حروف میم (م) است. به این ترکیب انسان جامع همه اشکال حروف است و اسم آدم اشاره به این جامعیت می‌باشد. اجزای الف یعنی ال ف نیز دربرگیرنده همان سه نوع شکل است؛ مستقیم (۱)، منحنی (ل) و مدور (ف) و الف به دلیل این جامعیت در میان دیگر حروف از فضیلت بیشتری برخوردار است» (اسلوار، ۱۳۹۱، ۱۸). به همین ترتیب به زبان خاصی برای بیان امور مخفی دست پیدا می‌کنند.

فضل‌الله عارفی شیعی است که عدالت‌محوری از ارکان آن به شمار می‌آید. از طرفی در تحت ظلم و هجوم و تاراج تیموریان عدالت‌خواهی آرزویی دیرپاب به نظر می‌رسید، اما تسلیم در چنان شرایطی نادیده‌انگاشتن حقوق و زندگی ملتی بود که بی‌پناه در چنگال مهاجمان اسیر بودند و به همین دلیل رسیدن به آرمان‌هایی چون عدالت را فضل‌الله از خودسازی و تربیت خویش‌شکن می‌آغازد و از مردم تقاضا دارد که ابتدا بیاموزند که از امور مادی فراتر بروند تا بتوانند به آرمان‌های انسانی همچون عدالت و آزادی هم دست پیدا کنند و بدون این مقدمات آن نتایج را دست‌نیافتنی می‌داند:

مزن بجز در صلح و صفا کنون که نماند/مصاف رستم و افراسیاب و
کیکاوس

کجا رسی به جوانان کهف تانکئی/ گذر ز مال و منال وز گنج دقیانوس

که اندرون و برون مرا ز زهد و ورع/ فرو گرفت بمانند کفر کیکاوس

هزار شکر خدا را نعیمیا امروز/زدیم سنگ ملامت به شیشه ناموس
(نعیمی، ۱۵۳، ۱۷)

در این باره گفته‌اند: «تردیدی نیست که حروفیه در افکار و آرای اجتماعی خود صحبت از عدالت اجتماعی داشته‌اند. تمامی نهضت‌های این دوره (تا قرن دهم قمری) چنین آرمانی را به پیروان خویش تعلیم می‌دادند. از این رو اقدامات تیموریان، به‌خصوص شاهرخ بازتابی از این آرمان‌ها و خواسته‌ها بود» (آژند، ۱۳۶۹، ۲۷). همین عدالت‌خواهی مهم‌ترین عامل گرایش عمومی مردم به فضل‌الله و دیگر نهضت‌های عدالت‌خواهانه بود و هرچه اوضاع سخت‌تر می‌شد، قیام آنها اوج بیشتری می‌گرفت.

ستم‌ستیزی

مهم‌ترین ویژگی فضل‌الله که او را رهبر و قهرمان مردم رنج‌دیده کرده بود، صفت ستم‌ستیزی بود. او از آنجا که حکیم و عارف بود، ابتدا با زبان منطقی

و به طور مسالمت آمیز رنج‌های مردم را به گوش تیمور رساند و با نامه‌ای که گفته‌اند یکی از دلایل اعدام او بود، به دعوت از این ستمگر اقدام کرد تا دست از کشتار مردم بردارد و مانند اندیشمندان علوم سیاسی معاصر از عوارض خشونت بار قدرت سخن می‌گوید. گفته‌اند: «فضل‌الله در این نامه تیمور را به ترک استفاده نامشروع از قدرت دعوت می‌کند و از او می‌خواهد منافع شخصی و خانوادگی را رها نموده، برابری مردم را در نظر داشته، با گذشت و خویش‌نوازی حکومت کند تا بتواند سعادت ملت را تأمین نماید. تیمور با خواندن این نامه عصبانی شد» (ورداسی، ۱۳۵۸، ۵۵). فضل‌الله شیوه‌ای اندیشمندانه دارد.

در مرحله بعد به انسان‌ها شجاعت می‌بخشد که می‌توانند جهان را اصلاح کنند و توانایی لازم جهت تغییر سرنوشت خود را دارند؛ چراکه انسان موجودی الهی است و اگر بر خود غلبه کند، بر جهان غلبه خواهد کرد:

ای نفس شوخ چشم، به فرمان ما در/ در بارگاه حضرت سلطان ما در

ای ناتمام راه خدا، از خدا بترس/ در راه ما تمام چو مردان ما در

انوار روی گوشه‌نشینان ما ببین/ پس در میان گوشه‌نشینان ما در

ذات خدا که منزل پاکان ما بود/ پاک از غبار گشته چو پاکان ما در

میدان ما نعیمی اگرچه ندیده‌ای/ در نه قدم به عرصه میدان ما در
(نعیمی، ۱۳۵۳، ۷)

مهم‌ترین عامل دشمنی تیموریان با فضل‌الله را همین روحیه ستم‌ستیزی گفته‌اند که در هر کجا ظالمان را ابتدا به سوی دوری از ستم دعوت می‌کرد و اگر نمی‌پذیرفتند، به مقابله معنوی و فکری با آنها می‌پرداخت. علمای اهل ظاهر شریعت مدار عصر در سمرقند به همین دلیل فتوای قتل او را صادر کردند (آزند، ۱۳۶۹، ۲۱). همچنین در ماجرای شهادت او به نقش این علمای دینی اشاره شده است. «در روز پنجشنبه سادس ذیقعد ۷۹۶ ق

امیران‌شاه پسر سیم امیر تیمور به حکم پدرش، فضل‌الله را از شروان احضار کرده و به فتوای علمای عصر مقتولش ساخت و به پاهای او ریسمان بسته، در کوچه و بازار گردانید و قبرش اکنون در الگای النجق نخجوان است» (تربیت، ۱۳۱۴، ۳۸۷). ماجرای سوزاندن او را در اسناد دیگر آورده‌اند.

این ستم‌ستیزی او اگرچه از شرایط مردم در آن عصر مایه داشت، برای فضل‌الله امری معنوی و الهی هم به شمار می‌آمد. او از ۱۸ سالگی استرآباد را ترک کرد و در لباس چوپانی به اصفهان و سپس به حج رفت و در بازگشت به خوارزم آمد و باز به حج رفت و در این مسیر شهرهای زیادی را سفر کرد و ریاضت‌ها کشید و در ضمن این ریاضت‌ها رؤیاهای مکاشفه‌آمیز عرفانی یافت که در آنها می‌توان به امور سیاسی هم اشاراتی یافت، چنان‌که در یک رؤیا در سفر دوم حج، حضرت سلیمان را می‌بیند و درباره رفتار یکی از قدرتمندان با مردم می‌پرسد و آن پیامبر اظهار ناخشنودی می‌کند (گولپیناری . ۱۳۷۴، ۵۰؛ Bashir, 2005, 77). به این ترتیب زمینه برای آشنایی با رنج‌های مردم و شناسایی ظالمان و مهاجمان آغاز می‌شود.

اوج آگاهی‌بخشی فضل‌الله در مبارزه با ستمگرانی است که به جان و مال و ناموس مردم هیچ وقعی نمی‌گذارند:

شرق و غرب از فتنه یاجوج چون شد پر فساد/تی و میم و واوری قد کان
جبارا عنید

مظهر ذات الهی هادی انس و ملک/آنکه مثلش کس ندید و هم
نخواهد نیز دید

چون که او از ملک شروانش طلب کردند رفت/بر در آئینجه بود آن
نطفه شمر و یزید

مستحق لعنت حق مشرک ملعون سگ/آنکه نامش بود شیروانشاه
شیطان مرید (نعیمی، ۱۳۵۳، ۱۴)

نتیجه گیری

مکتب فکری و معنوی فضل‌الله استرآبادی در قالب یک اندیشه سیاسی نیرومند، قرن‌ها از خراسان بزرگ تا بالکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حوادث سیاسی عجیبی را رقم می‌زند. این اندیشه طرفداران و نمایندگان متعددی پیدا می‌کند که در آناتولی بسیار چشمگیر بوده‌اند. علم حروف و رمزهای حروف و اعداد و اشکال در نزد آنها پیشرفت فراوانی دارد و از تأویل فضل‌الله از حروف مقطعه قرآنی آغاز می‌شود و به نظام فلسفی خاصی در هستی‌شناسی و انسان‌شناسی می‌انجامد و یکی از بهره‌بردارانها از این علم حروف استفاده سیاسی و رمزپردازی برای انتقال گفته‌های مخفی به پیروان است که به شدت باعث وحشت حکومت‌های محلی و تیموریان می‌شود و همین زبان خاص آنها را در زیر چتر خاصی گرد می‌آورد که نوعی وحدت زبانی به شمار می‌آید.

ماجرای ترور شاهرخ در مسجد هرات به دست احمد لراز شخصیت‌های حروفیه که با اندیشه‌های فضل‌الله تربیت شده بود، اوج سیاسی مکتبی عرفانی بود که نشان داد به عرصه سیاسی آمده است و همه را به مبانی فکری حروفیه توجه داد که چه مؤلفه‌هایی در این اندیشه وجود داشته است که به پدیده‌ای بدیع در سیاست آن روز تبدیل می‌شود؟ یکباره اسرار حروف و اعداد و اشکال در علم حروف معنایی سیاسی هم پیدا کرد و شخصیت فضل‌الله که عارف و شاعر شناخته می‌شد، در جنبه سیاسی خود موضوعیت پیدا نمود. چنین فرض شد که جهان‌بینی و فلسفه و معنویت حروفیه میوه‌ای سیاسی دارد و قیام‌های متعدد آنها در شهرهای مختلف از شرق تا غرب جهان اسلام ثابت کرد که آنها در همه جا ریشه دوانده‌اند و حاکمیت‌های سیاسی را با چالشی جدی مواجه کردند. هنوز پدیده حروفیه و عقاید فضل‌الله به خوبی بررسی نشده است یکی از بخش‌های ناشناخته حروفیه حضور فکری و ادبی و هنری و سیاسی آنها در غرب ایران و در نزد مردم کرد و لک و لر زبان است که شاعری به نام ملاپیشان در همین منطقه عقاید حروفی را در دیوان خود نشان می‌دهد و ده‌ها شاعر و هنرمند و پیران بزرگ که

هنوز مرقد آنها در غرب ایران و در کوهستان زاگرس مورد احترام است به اندیشه‌های حروفی اعتقاد داشته‌اند و آثار آنها این مطلب را اثبات می‌کند و باید حوادث سیاسی غرب ایران تحلیل جدید شود؛ چراکه مطالعات گذشته بدون در نظر گرفتن این جایگاه حروفیه بوده است. در آناتولی و بالکان مطالعات خوبی در این حوزه انجام شده است.

منابع و مآخذ

۱. آژند، یعقوب (۱۳۶۹)، *حروفیه در تاریخ*، تهران، نشر نی.
۲. نعیمی، فضل‌الله (۱۳۵۳)، *دیوان فارسی*، تصحیح رستم علی‌اف، تهران، دنیا.
۳. اوسلوار، فاتح (۱۳۹۱)، *حروفیه*، ترجمه داوود وفاپی، تهران، انتشارات مولی.
۴. براون، ادوارد (۱۳۸۵)، *نوشته‌های حروفیان*، ترجمه عطاء‌الله حسنی، فرهنگ ایران‌زمین، تهران، سخن.
۵. براون، ادوارد (۱۳۵۷)، *تاریخ ادبی ایران*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر.
۶. پتروشفسکی، ا. (۱۳۵۹)، *نهضت سریداران*، تهران، پیام.
۷. جلالی پندری، یدالله (۱۳۷۲)، *زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی*، تهران، نشر نی.
۸. حافظ ابرو (۱۳۸۰)، *زیده التواریخ*، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. روملو، حسن (۱۳۴۹)، *احسن التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. ریتز، هلموت (۱۳۶۱)، *آغاز فرقه حروفیه*، ترجمه حشمت مؤید، بی‌جا.
۱۱. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰)، *ارزش میراث صوفیه*، تهران، امیرکبیر.

۱۲. سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۵۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران.
۱۳. تربیت، محمدعلی (۱۳۱۴)، *دانشمندان آذربایجان*، تهران، مطبعه مجلس.
۱۴. خواند میر (۱۳۵۳)، *حبیب السیر*، تهران، انتشارات خیام.
۱۵. کیا، صادق (۱۳۴۰)، *واژه‌نامه گرگانی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. کتبی، محمود (۱۳۶۴)، *تاریخ آل مظفر*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر.
۱۷. گولپیناری، عبدالباقی (۱۳۷۴)، *فهرست متون حروفیه*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. میرفطروس، علی (۱۳۶۰)، *جنبش حروفیه*، نهضت پسیخانیان و نقطویان، تهران، بامداد.
۱۹. ورداسبی، ابوذر (۱۳۵۸)، *نمدپوشان*، تهران، نشر امام.

انگلیسی

20. Bashir's.(2005), *Deciphering the Cosmos from Creation to Apocalypes: the Hurufiyya Movement and Medieval Islamic Esotericism*, New Haven, yale University Press.
21. Bowering, G(1970), *the Mystical Vision of Enistence in Classical Islam: THE Qur'anic Hermeneutics of the Sufi Sahl al-Tustari* , Berlin.
22. Giovanni, F.(1990), *History of Gnosticism*, Cev.A.Alcock, Cambridge.
23. Keddie, N, (1972), *Scholars, Saints and Sufis, Muslim Institution in the Middle East Since 1500*, Berkeley.

24. Norris, H.T.(1999), **The Hurufi Legacy of Fadlullah of Astarabad, The Heritage of Sufism: The Legacy of Medieval Persian Sufism (1150-1500)**, haz.Lewisihn, Oxford.
25. Ilic, S.(2002), **Hurufi Heresy in the 15th Century Anatolia and its Impact on the Ottoman Religious Thought**, Middle East Studies Association Aoth Annual Meeting, Boston.